



دانشگاه علامه طباطبائی

دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی

پایان نامه جهت اخذ مدرک کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی

عنوان

اثربخشی برنامه آموزشی بخشش بر کاهش پرخاشگری، ارتقاء همدلی و بخشش نوجوانان پسر بزهکار کانون اصلاح و تربیت

تهران ۱۳۹۰

استاد راهنما

جناب آقای دکتر فرامرز سهرابی

استاد مشاور

جناب آقای دکتر احمد برجعلی

استاد داور

جناب آقای دکتر محمود گلزاری

پژوهشگر

مریم اسدی

تابستان ۱۳۹۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیم به

همسر عزیزم که بدون وجود دلگرمی های مهربانانه اش کوله بارم را همان آغاز بر زمین می گذاردم

و

پدر و مادرم گرامی ام که مراد این راه یار بودند.

## باتقدیر و شکر

از حضرت دوست که به من حیات داد و لیاقت زندگی کردن را،

از استاد کراتقدر جناب آقای دکتر سهرابی که، همواره در طول تحصیلم چراقی روشن بر سر راه ندانسته‌ام بود

از استاد عزیزم جناب آقای دکتر بر جعلی که جرات ایستادن در وادی علم را آموختم

از استاد ارجمند جناب آقای دکتر گلزاری که شیوه‌ونش معلمی را یاد گرفتیم

## چکیده

دوران نوجوانی برای اصلاح یک بزهکار شاید آخرین فرصت برای ماندگار ترین تغییرات باشد. اعمال تکانه‌ای و پرخاشگرانه، یکی از دلایل بازداشتهای این نوجوانان است. رشد جوانه‌ی همدلی و رفتارهای اجتماع‌گرا و نوع دوستانه، بعلاوه‌ی توان کنترل اعمال پرخاشگرانه تکانه‌ای سبب ساز انگیزه برای مطالعه‌ی پیش‌روست. بنابراین هدف پژوهش حاضر بررسی اثربخشی برنامه آموزشی بخشش بر کاهش پرخاشگری، افزایش همدلی و بخشش نوجوانان پسر بزهکار است. بدین منظور نمونه‌ای به حجم ۲۴ نفر به صورت تصادفی ساده از میان پسران در بند کانون اصلاح و تربیت گرفته شد و به شیوه‌ی تصادفی در دو گروه گمارده شدند. ۱۲ نفر در جلسات آموزشی برنامه‌ی هر می ریچ<sup>۱</sup> ورثینگتون<sup>۲</sup> (۲۰۰۲) شرکت کردند و ۱۲ نفر دیگر گروه انتظار را تشکیل می‌دادند. جلسات درمان در طی ۸ جلسه‌ی یک ساعته و به مدت ۴ هفته برگزار شد. برای ارزیابی تغییرات در میزان پرخاشگری، بخشش و همدلی از پیش‌آزمون تا پس‌آزمون، به ترتیب از پرسشنامه‌ی پرخاشگری<sup>۳</sup>، پرسشنامه صفات همدلی باتسون<sup>۴</sup> (۱۹۹۳) و پرسشنامه‌ی انگیزه‌های بین‌فردی مرتبط با آسیب (؛ مک‌کالا<sup>۵</sup> و همکاران، ۱۹۹۸)، استفاده شد. برای مقایسه‌ی میانگین اختلاف میان نمرات پیش‌تست و پس‌تست گروه درمان و کنترل از تحلیل آماری تی استیودنت برای گروههای مستقل استفاده شد. یافته‌های تحقیق بیانگر آن است که درمان بخشش سبب افزایش میزان همدلی و همین‌طور بخشش در نوجوانان بزهکار می‌گردد، اما اثر بخشی درمان بخشش بر کاهش پرخاشگری تایید نشد. بنابراین می‌توان گفت که برنامه آموزشی بخشش سبب افزایش رفتارهای اجتماع‌گرا و کاهش ریسک بزهکاری می‌گردد و با کاهش رفتارهای انتقامی و کینه‌توزانه باعث افزایش میل به بخشش می‌گردد.

کلید واژه: برنامه آموزش بخشش، پرخاشگری، همدلی، بخشش، نوجوانان بزهکار

<sup>1</sup> REACH

<sup>2</sup> Worthington

<sup>3</sup> aggression questionnaire

<sup>4</sup> Batson

<sup>5</sup> McCullough

## **Abstract**

**Aim :** The aim of the present study was to determine the effect of forgiveness training program on decreasing aggression and improving empathy and forgiveness of delinquent youth boys. **Method:** the research method was pre–pos test experimental design. Through 100 aggression questionnaires which was randomly performed, 40 person who scored high on AQ was randomly selected and randomly divided into two experimental and control groups which finally were 12 participants in each group. The aggression questionnaire and Transgression-Related Interpersonal Motivations Scale and Batson’s Empathy Adjectives test were administered at pre test to all participants. The experimental group was trained in forgiveness training program via eight group sessions of ½ hour duration each. During this period no intervention was given to control group. all questionnaires were administered again at post test. Data obtained from pretest and post test was analyzed using t-test for independent groups. **Results:** statistical analyzed showed That compared to the control group, aggression in the experimental group was not significantly changed whereas revenge and avoidance motivations significantly decreased and empathy increased in experimental group as compared to control group. **Conclusions:** findings of this study revealed that forgiveness training program can significantly and effectively decrease revenge and avoidance motivations and increase empathy.

**key words:** aggression, empathy, forgiveness, forgiveness training program, incarcerated boy youth

## فهرست مطالب

۹	فصل اول کلیات تحقیق
۱۰	مقدمه
۱۲	بیان مساله
۱۳	اهمیت و ضرورت تحقیق
۱۵	هدف تحقیق
۱۵	فرضیه های تحقیق
۱۵	تعاریف نظری متغیرهای پژوهش
۱۷	فصل دوم مرور نظری و پیشینه پژوهش
۱۸	تعریف پرخاشگری
۲۱	عوامل تاثیر گذار بر ایجاد پرخاشگری
۲۶	پرخاشگری و رشد و ثبات آن
۲۷	تفاوت های جنسیتی در پرخاشگری
۲۸	همدلی
۳۰	تعریف بخشش
۳۲	تعریف مک کالا، ورثینگتون و همکاران در مورد بخشش
۳۲	تعریف انرایت و همکارانش در مورد بخشش
۳۳	مدلهای ارتقاء بخشش
۳۴	مدل هرمی بخشش ریچ ورثینگتون
۳۵	مدل فرایند بخشش انرایت
۳۵	تفاوت های جنسیتی و بخشش
۳۶	ارتباط بین نظریه های جنسیت و بخشش
۳۷	بخشش و بهزیستی روانشناختی
۴۰	پیشینه پژوهش
۴۰	مداخلات در زمینه پرخاشگری کودکان و نوجوانان
۴۲	تحقیقات صورت گرفته در زمینه بخشش
۴۳	مداخلات بخشش در زمینه پرخاشگری
۴۵	فصل سوم روش تحقیق

۴۶	طرح تحقیق
۴۶	جامعه ی آماری
۴۶	روش نمونه گیری
۴۷	نمونه
۴۷	فرایند اجرای تحقیق
۴۸	REACH روند اجرای درمان آموزشی
۵۱	متغیر های پژوهش
۵۲	ابزارهای پژوهش:
۵۴	روش تحلیل داده ها:
۵۵	<b>فصل چهارم تجزیه و تحلیل داده ها</b>
۵۶	مقدمه:
۵۷	یافته های آمار توصیفی:
۵۸	مقیاس پرخاشگری
۵۹	مقیاس همدلی
۶۰	مقیاس بخشش
۶۱	آزمون فرضیه های پژوهش
۶۴	<b>فصل پنجم بحث و نتیجه گیری</b>
۶۵	خلاصه پژوهش
۶۷	بحث و نتیجه گیری
۷۸	محدودیت های پژوهش
۷۹	پیشنهادهای پژوهش
۸۳	<b>فهرست منابع</b>
۸۴	منابع فارسی
۸۵	منابع انگلیسی
۹۲	<b>پیوست</b>
۹۳	پیوست ۱ پرسشنامه ی صفات همدلی باتسون
۹۴	پیوست ۲ پرسشنامه انگیزه های بین فردی مرتبط با آسیب (TRIM)
۹۵	پیوست ۳ بسته آموزشی درمان گروهی بخشش



# فصل اول

## کلیات تحقیق

## مقدمه :

دوره ی نوجوانی از بحرانی ترین ادوار زندگی است. عوامل زیستی، روانی، اجتماعی در بروز رفتارهای خاص دوره ی نوجوانی نقش دارند. به خاطر تحولات دوران بلوغ و تغییر در ارزشها و یافتن هویت در این دوران بزهکاری افزایش میابد و در واقع بزهکاری نوجوان نشانه ی نوعی سازش نایافتگی نوجوان با محیط اطرافش است (منصور، ۱۳۶۸). پژوهش های انجام شده نشان می دهد که در پانزده سالگی اعمال بزهکارانه در پسران و دختران به نقطه ی اوج خود می رسد (بیابانگرد، ۱۳۸۱). بی تردید در عصر حاضر، با وجود آمارهای تکان دهنده در مورد سرقت، پرخاشگری، قتل در دوران نوجوانی، بزهکاری یکی از مسائل دشوار و ناراحت کننده ای است که توجه بسیاری از متخصصان، از جمله روانشناسان و جامعه شناسان را به خود جلب کرده است. دغدغه ی آنها پاسخگویی به این سوال است که چرا تعدادی از کودکان و نوجوانان در جرائم مختلف از جمله جرائم پرخاشگرانه و جامعه ستیزانه شرکت می کنند و چگونه می توان از جرائم آنها پیشگیری کرد.

رفتار انحرافی کودکان و نوجوانان نرسیده به سن قانونی را بزهکاری و کودکان و نوجوانان مرتکب به این رفتارها را بزهکار می نامند (شومیکر<sup>۱</sup>، ۱۹۹۰، به نقل از احمدی ۱۳۸۴). در فاصله ی سالهای ۱۳۶۷-۱۳۸۲ تعداد زندانیان جرم و جنایت و جرائم پرخاشگرانه در ایران ۳ برابر افزایش یافته است، ولی اگر بر اساس تعداد پرونده های مورد بررسی به این ارقام توجه شو، به چندین برابر بالغ می شوند (شیخاوندی، ۱۳۸۴). عوامل بسیاری در شکل گیری بزهکاری دخیل هستند، عواملی چون شرایط اقتصادی اجتماعی، وسائل ارتباط جمعی، تراکم و افزایش جمعیت، شرایط خانوادگی و... (احمدی، ۱۳۸۲). از این میان طرد شدن و عدم مراقبت و محرومیت از مهر و محبت والدین که باعث احساس نایمنی و اضطراب، تصویر منفی از خویشتن، منفی بافی، کینه توزی نسبت به دیگران، گوشه گیری و کندی رشد اخلاقی فرزندان شده است از عوامل تاثیر گذار حائز اهمیت است (احمدی، ۱۳۸۲). نظریه ی دلبستگی به علت نقشی که برای رویدادهای دوران کودکی و محرومیت مادرانه در ایجاد رفتار مجرمانه قایل است، جایگاه خاصی در بین نظریه هایی دارد که به تبیین رفتار بزهکارانه پرداخته اند. در نظریه ی دلبستگی

---

<sup>1</sup> shomiker

همواره بر دو نکته تاکید شده است: اول این که رابطه ی گرم، نزدیک و پیوسته ی مادر ( یا جانشین دایم وی ) با کودک برای سلامت روانی اش ضروری است و دوم این که جدایی از مادر و یا طرد شدگی از سوی وی در اغلب بزهکاران دیده می شود (بالبی و اینسورث، ۱۹۶۵؛ به نقل از دادستان؛ ۱۳۸۲). پرخاشگری از جمله اختلالات و مشکلات رفتاری است، که ممکن است در اثر رابطه ی نامطلوب و ناسالم والدین با فرزندان ایجاد شود. آنچه که باعث توجه پژوهشگران به پرخاشگری شده است، پیامدهای این گونه رفتار ها برای نوجوانان مانند ایجاد تصویر منفی در میان همسالان و آموزگاران، طرد از سوی همسالان، افت تحصیلی، مصرف مواد و بزهکاری می باشد (لاچمن<sup>۱</sup> و وایلند<sup>۲</sup>). نوجوانان پرخاشگر معمولاً توان مهار رفتار خود را ندارند و معیارها و ارزش های جامعه ای را که در آن زندگی می کنند به راحتی زیر پا می گذارند. چنین مسائلی ذهن پژوهشگران را به این موضوع معطوف می کند که واقعاً چه عواملی زمینه ساز پرخاشگری اند؟ چرا انسان متمدن چنین شده است؟ مبنای زیستی این پدیده چیست؟ و چرا های بسیاری که شالوده ی تحقیقات گسترده در این زمینه شده است که هر یک از منظر خود به این موضوع پرداخته اند. به گونه ای که عده ای بر عوامل زیستی تاکید کرده و دارو درمانی را موثر می دانند، دسته ای دیگر آن را ناشی از بد کارکردی مولفه های روانشناختی می دانند و پاره ای بر شرایط اثرگذار محیطی تاکید می کنند. از دید گاه رشدی، رشد استدلال اخلاقی جزء عوامل سبب ساز و پیشگیرنده در این زمینه است. ناکامی ها، تنبیه های دوره ی کودکی و سبک فرزند پروری مستبد و طرد کننده نیز سبب ساز پرخاشگری آینده ی کودکان می گردد. از آنجا که احتمال می رود مهمترین عامل موثر در بزهکاری روش تربیتی نارسا یا اختلال در شبکه ارتباطی خانواده باشد و عدم مهربانی خانواده و سوء استفاده های فیزیکی یا روانی سبب ساز بزهکاری گردد (اندر، ۱۹۸۸، پاپرنی و ریشر ۱۹۸۹؛ به نقل از بیابانگرد، ۱۳۸۴) علت پرخاشگری این کودکان را به احتمال بیشتری ناشی از این عوامل است. حس انتقام جویی، کینه ورزی و خشم سرخورده ی این نوجوانان مانند آتشفشانی خاموش است که هر از گاهی فوران می کند و خود را به صورت پرخاشگری و سایر هیجانهای منفی نشان می دهد.

---

<sup>1</sup> lochman

<sup>2</sup> waland

بخشش رویکردی درمانی آموزشی است که از طریق آن زهر و سم هیجانهای منفی ناشی از رویدادهای نامطلوب گذشته گرفته شده و در نتیجه منبع آزاردهنده ی پنهان خشم و پرخاشگری قدرت خود را از دست می دهد. بنابراین، هدف پژوهش حاضر تعیین میزان تاثیر فرایند آموزشی بخشش بر کاهش خشم و پرخاشگری و افزایش میزان همدلی و بخشش در نوجوانان بزهکار است.

### بیان مساله :

متأسفانه هر سال با افزایش چشمگیر بزهکاری نوجوانان در کشورمان روبرو هستیم. در فاصله ی سالهای ۱۳۶۷-۱۳۸۲ تعداد زندانیان جرم و جنایت و جرائم پرخاشگرانه در ایران ۳ برابر افزایش یافته است، ولی اگر بر اساس تعداد پرونده های مورد بررسی به این ارقام توجه شود، به چندین برابر بالغ می شوند (شیخاوندی، ۱۳۸۴). عوامل بسیاری در شکل گیری بزهکاری دخیل هستند، عواملی چون شرایط اقتصادی اجتماعی، وسایل ارتباط جمعی، تراکم و افزایش جمعیت، شرایط خانوادگی و... (احمدی، ۱۳۸۲). از این میان طرد شدن و عدم مراقبت و محرومیت از مهر و محبت والدین که باعث احساس نایمنی و اضطراب، تصویر منفی از خویشتن، منفی بافی، کینه توزی نسبت به دیگران، گوشه گیری و کندی رشد اخلاقی فرزندان شده است از عوامل تاثیر گذار حائز اهمیت است (احمدی، ۱۳۸۲). بد رفتاری و سوء استفاده های صورت گرفته در خانواده یکی از عوامل اجتماعی است که باعث پرخاشگری و رفتارهای خصمانه ی نوجوانان بزهکار میگردد (وایپل<sup>۱</sup>، ۱۹۹۹)، آسیب های فیزیکی و جنسی (اسپکتروم<sup>۲</sup>، ۱۹۹۹)، بی توجهی (پرایس<sup>۳</sup> و دیگران، ۲۰۰۱)، دلبستگی کم رنگ نسبت به والدین (فرگوسن<sup>۴</sup>، لینسکی<sup>۵</sup> و هاروود<sup>۶</sup>، ۱۹۹۶) و والدین تنبیه گر (کنوف<sup>۷</sup>، ۱۹۹۰) از این جمله اند. نوجوانان پرخاشگر علاوه بر اینکه به قربانیان پرخاشگری خود، لطمه وارد می کنند، خودشان قربانی رشد ناسالم در طول دوران رشد شان هستند. ادبیات پژوهشی حاکی از آن است که پیامدهای منفی بسیاری با رفتار پرخاشگرانه توأم است. نوجوانان پرخاشگر به

---

<sup>1</sup> Whipple

<sup>2</sup> Spectrum

<sup>3</sup> Price

<sup>4</sup> Fergusson

<sup>5</sup> Lynsky

<sup>6</sup> Harwood

<sup>7</sup> Knopf

احتمال بیشتری نسبت به نوجوانان غیر پرخاشگر، توسط همسالان خود طرد می شوند (کریک و گراتپتر<sup>۱</sup>، ۱۹۹۵)، مرتکب جرم میشوند (دایکمن<sup>۲</sup>، ۱۹۹۵)، قربانی خشونت های جامعه می شوند (شاهینفر، کوپراسمیت و متزا<sup>۳</sup>، ۲۰۰۱)، خشونت را در محیط خانه تجربه می کنند (هسکت و کیستنر<sup>۴</sup>، ۱۹۹۱)، نرخ فارغ التحصیلی پایین تری دارند (ریسی، گرهارداستین و کیستنر<sup>۵</sup>، ۲۰۰۳)، درگیر رفتارهای بزهکارانه ی خشونت آمیز و غیر خشونت آمیز می شوند (برویدی و همکاران<sup>۶</sup>، ۲۰۰۳)، و در مقیاسهای افسردگی، تنهایی و منزوی شدن از سوی دوستان نمرات بالاتری کسب میکنند (کریک و گراتپتر، ۱۹۹۵). پیامدهای بسیار منفی حاصل از پرخاشگری در نوجوانان، خصوصاً در نوجوانان بزهکار نیاز به تحقیقات بیشتر را برای مواجهه با این صدمات اجتماعی و فردی گسترده ضروری می سازد. دغدغه ی پژوهش حاضر پاسخگویی به سوالات زیر است:

❖ آیا برنامه ی آموزش گروهی بخشش سبب کاهش معنی داری در میزان پرخاشگری درگروه تحت

آموزش بخشش در مقایسه با گروه کنترل خواهد شد؟

❖ آیا برنامه ی آموزش گروهی بخشش سبب افزایش معنی داری در میزان بخشش درگروه تحت

آموزش بخشش در مقایسه با گروه کنترل خواهد شد؟

❖ آیا برنامه ی آموزش گروهی بخشش سبب افزایش معنی داری در میزان همدلی درگروه تحت

آموزش بخشش در مقایسه با گروه کنترل خواهد شد؟

### **اهمیت و ضرورت تحقیق:**

با توجه به روند رو به رشد بزهکاری و اعمال پرخاشگرانه در نوجوانان و هزینه های سنگینی که بر بخش

آموزش، کانونهای اصلاح و تربیت، و بخش درمان تحمیل می شود، نیاز برای یافتن برنامه های آموزشی و درمانی

اثربخش برای مواجهه با اعمال خشونت آمیز و بزهکاری در نوجوانان ضروری است.

---

<sup>1</sup> Crick & Grotpeter

<sup>2</sup> Dykeman

<sup>3</sup> Shahinfar , Kupersmidt &Matza

<sup>4</sup> Haskett &kistner

<sup>5</sup> Risi ,Gerhadstein &kistner

<sup>6</sup> Broidy

مداخلات بخشش (انرایت و فیتزگیبونز<sup>۱</sup>، ۲۰۰۰؛ ریپلی و ورثینگتون<sup>۲</sup>، ۲۰۰۲؛ رای<sup>۳</sup> و دیگران، ۲۰۰۵) به عنوان رویکرد درمانی اثربخش ظاهر شده است که به مراجعان کمک می کند تا بر خشم خود غلبه کنند و بهزیستی روانشناختی آنها افزایش یابد. تحقیقات انرایت (۱۹۹۳) نشان داد که آموزش بخشش برای کنترل خشم نوجوانان، بخشش آنها را افزایش داده و نگرش آنها را نسبت به مدرسه و معلمان بهبود می بخشد و روابط آنها را با والدین و همسالان بهتر می کند و حتی در بهبود نمرات درسی آنها موثر است (گامبارو، ۲۰۰۲).

تحقیقات نشان می دهد که در کانون های اصلاح و تربیت روش درمانی بخشش بعلاوه ی درمانهای رایج به کار گرفته در این کانونها، در کاهش پرخاشگری نوجوانان اثربخش تر از هر روش درمانی دیگری به تنهایی است که در این کانونها به کار گرفته می شود (کلت<sup>۴</sup>، ۲۰۰۸). نوجوانان بزهکار به خاطر اینکه اغلب قربانی شرایط بد خانوادگی، بدرفتاریها و سوء استفاده های جسمانی و روانی قرار می گیرند، قبل از یاد گرفتن هر مهارت اجتماعی و مقابله ای، می بایست با منبع پنهان خشم و پرخاشگری خود روبرو شوند. شناختن این منبع به آنها کمک می کند بفهمند که چگونه افکار خود آیند آنها سبب رفتارهای ناهنجار پرخاشگری میگردند.

با توجه به اهمیت موضوع و این که تا کنون در کشور ما تا آنجا که محقق بررسی کرده است، پژوهشی مبنی بر آموزش بخشش در جهت کاهش پرخاشگری بزهکاران و افزایش میزان همدلی آنها صورت نگرفته است، انجام این پژوهش به توسعه ی دانش نظری مربوط به مداخلات بخشش در مورد رفتارهای پرخاشگرانه ی نوجوانان کمک می کند. از دیدگاه کاربردی نیز یافته های این پژوهش می تواند به بازپروری و اصلاح رفتارهای ناسازگارانه ی نوجوانان بزهکار در کانون های اصلاح و تربیت کمک کرده و نرخ ارتکاب جرم و رفتارهای ناهنجار را در آنها کاهش دهد و درکل باعث بهزیستی روانی آنها گردد. در محیط های آموزش مانند مدرسه نیز، مشاوران و متخصصان تعلیم و تربیت با به کار گیری این روش به عنوان یک روش پیشگیرانه می توانند سبب کاهش خشم و پرخاشگری نوجوانان شده و از شیوع بزهکاری جلوگیری کنند.

---

<sup>1</sup> Enright & Fitzgibbons

<sup>2</sup> Ripley & Worthington

<sup>3</sup> Rye

<sup>4</sup> Klatt

## هدف تحقیق:

هدف کلی پژوهش حاضر تعیین اثربخشی آموزش بخشش در افزایش گرایش به بخشش و همدلی و کاهش خشم و پرخاشگری در نوجوانان پسر بزهکار است.

## فرضیه های تحقیق:

- ❖ برنامه ی آموزش گروهی بخشش سبب کاهش پرخاشگری در نوجوانان پسر بزهکار می شود .
- ❖ برنامه ی آموزش گروهی بخشش سبب افزایش میزان بخشش در نوجوانان پسر بزهکار می شود.
- ❖ برنامه ی آموزش گروهی بخشش سبب افزایش میزان همدلی در نوجوانان پسر بزهکار می شود .

## تعاریف نظری متغیرهای پژوهش:

❖ بخشش<sup>۱</sup> بین فردی: بخشش میلی درونی است که افراد را به سوی بازسازی از پاسخ های ناخوشایند ارتباطی، رفتار کردن به طور مثبت نسبت به کسی که ناعادلانه و به طور منفی با آنها رفتار کرده است متمایل می سازد (مک کالا<sup>۲</sup> و همکارانش، ۲۰۰۰، به نقل از پترسون و سلیگمن<sup>۳</sup>). بخشش بین فردی به صورت عملیاتی توسط نمراتی که آزمودنیها در پرسشنامه ی انگیزه های بین فردی مرتبط با آسیب (TRIM؛ مک کالا<sup>۴</sup> و همکاران، ۱۹۹۸) کسب می کنند تعریف می شود.

❖ همدلی<sup>۵</sup>: همدلی جنبه ای از رفتار اجتماع گرا است که به عنوان پاسخی که به دیگران سود می رساند تعریف می شود (شلتن و مک ادام ، ۱۹۹۹). این پاسخ واکنشی هیجانی است که توسط حالت های هیجانی همخوان دیگر بوجود می آید (ایزنبرگ، زیهاو و کیلر، ۲۰۰۱). همدلی به صورت عملیاتی توسط نمراتی آزمودنیها در پرسشنامه صفات همدلی باتسون (BEA؛ باتسون<sup>۶</sup>، ۱۹۹۱) کسب می کنند تعریف می شود.

---

<sup>1</sup> forgiveness  
<sup>2</sup> Mc Cullough  
<sup>3</sup> Peterson & Seligman  
<sup>4</sup> McCullough  
<sup>5</sup> empathy  
<sup>6</sup> Batson

❖ **پرخاشگری!** پرخاشگری را می توان به عنوان واکنشی هیجانی، تدافعی، و تندخویانه تعریف کرد. عمل پرخاشگرانه شامل انفجارهای خشم در واکنش به تحریکات حقیقی یا ادراک شده است (برندگن، ویتارا، ترملی، لای، ۲۰۰۱). پرخاشگری به صورت عملیاتی توسط نمرات کسب شده در پرسشنامه ی پرخاشگری (AGQ) تعریف می شود.

❖ **برنامه ی آموزشی بخشش:** برنامه ی آموزشی بخشش در این پژوهش مدل هرمی رسیدن به بخشش ریچ<sup>۲</sup> ورثینگتون (۲۰۰۱) است که به عنوان درمان مداخله ای استفاده شده است. این برنامه ی آموزشی در طی ۶ جلسه ی ۱ ساعته و به مدت ۳ هفته اجرا می شود.

---

<sup>1</sup> aggression  
<sup>2</sup> REACH



# فصل دوم

## مرور نظری و پیشینه

### پژوهش

در این فصل ابتدا به مرور نظری متغیرهای پژوهش پرداخته می شود. تعاریف نظری پرخاشگری و انواع آن بیان می شود. عوامل تاثیر گذار در رفتارهای پرخاشگرانه مرور می شود، و تفاوت‌های جنستی موجود در پرخاشگری بررسی می گردد. پس از آن به بررسی نظری همدلی و در پی آن بخشش پرداخته می شود. در مبحث بخشش تعاریف برجسته از مفهوم بخشش ارائه شده و مهمترین رویکردهای ارتقاء بخشش بررسی می شود. و سرانجام در بخشش پیشینه پژوهش به بررسی پژوهش های انجام شده در زمینه مطالعه ی پیش رو پرداخته می شود.

## تعریف پرخاشگری

در تعریف پرخاشگری، ابتدا می بایست تمایز آن را با کلمات هم معنی و نزدیک آن مشخص کرد. مفاهیم خشم، تندخویی و پرخاشگری، گاهی به جای یکدیگر به کار می روند و هنوز ارایه تعریف روشنی از هر یک از این مفاهیم و نشان دادن تفاوت‌های آنها دشوار به نظر می رسد. با وجود این، می توان خشم را یک حالت هیجانی یا احساس درونی ناشی از برانگیختگی فیزیولوژیکی و شناخت و افکار مربوط به کینه توزی تعریف کرد (اونیل<sup>۱</sup>، ۲۰۰۶). برای جدا کردن این سه مفهوم، می توان خشم را به عنوان یک حالت روانی در نظر گرفت. خشم به عنوان یک حالت هیجانی توصیف می شود که شالوده ی کینه توزی و پرخاشگری را تشکیل می دهد. مراد از کینه توزی نگرش پرخاشگرانه ای است که فرد را به سوی رفتار پرخاشگرانه می کشاند، در حالیکه پرخاشگری به عنوان رفتاری قابل مشاهده که باهدف آسیب یا زیان رساندن انجام می شود در نظر گرفته شده است (دل و شیو و آلری<sup>۲</sup>، ۲۰۰۴).

---

<sup>1</sup> O'Neill

<sup>2</sup> O'Leary

پرخاشگری انسانها در شکلهای گوناگونی ظاهر می شود. محققان پرخاشگری را به دو دسته ی عمده دسته بندی کرده اند، پرخاشگری خصمانه<sup>۱</sup> و پرخاشگری ابزاری<sup>۲</sup> (اندرسون و بوشمن، ۲۰۰۳). در سالهای پیش دبستانی، این دو نوع پرخاشگری پدیدار می شوند. که رایجترین نوع، پرخاشگری وسیله ای است. پرخاشگری وسیله ای، نوعی پرخاشگری است که به منظور به دست آوردن یک شیء، امتیاز، یا محل خاصی نشان داده می شود ولی فرد قصد ندارد به دیگری آسیب برساند. پرخاشگری وسیله ای با افزایش سن کاهش می یابد. در مقابل پرخاشگری خصمانه بیشتر می شود. پرخاشگری خصمانه، رفتاری است که به قصد آسیب رساندن به دیگران صورت می گیرد. پرخاشگری خصمانه دو حالت دارد: حالت اول که پرخاشگری آشکار<sup>۳</sup> است، طی آن فرد از طریق آسیب جسمانی و تهدید کردن دیگران به وارد آوردن چنین آسیبی، به آنها صدمه می زند. این نوع پرخاشگری در پسران بیشتر دیده می شود. حالت دوم، پرخاشگری رابطه ای<sup>۴</sup> است که به روابط همسالان آسیب می رساند، مانند منزوی کردن و یا شایعه پراکنی. این نوع پرخاشگری بیشتر در دختران دیده می شود (برک<sup>۵</sup>، ۲۰۰۱). این دسته بندی ها به ما کمک می کند که انواع مختلف پرخاشگری و انگیزه های در پس آن را بهتر درک کنیم.

تمامی محققان و صاحب نظران از اصطلاحات پرخاشگری خصمانه و وسیله ای برای دسته بندی پرخاشگری استفاده نمی کنند. برخی دیگر این دسته بندی را شامل پرخاشگری واکنشی<sup>۶</sup> و پیش رونده<sup>۷</sup> میدانند (داج و شوارتز<sup>۸</sup>، ۱۹۹۷). پرخاشگری واکنشی شبیه پرخاشگری خصمانه است؛ که واکنشی خشمگینانه نسبت به تهدید ادراک شده است. پرخاشگری واکنشی مستقیماً متوجه فردی دیگر است و در رابطه با یک دلخوری یا رنجش صورت می گیرد. پرخاشگری پیش رونده به لحاظ مفهومی مانند پرخاشگری وسیله ای است. پرخاشگری پیش

---

<sup>1</sup> Hostile aggression

<sup>2</sup> Instrumental aggression

<sup>3</sup> Anderson & Bushman

<sup>4</sup> Overt aggression

<sup>5</sup> Relational aggression

<sup>6</sup> Berk

<sup>7</sup> reactive aggression

<sup>8</sup> proactive aggression

<sup>9</sup> Dodge & Shwartz

رونده بدون عامل فعال کننده است، با قصد قبلی صورت می گیرد و حاصل خشم ویا ناکامی نیست. گرچه نوعاً مداخلات درمانی، زیر گروه خاصی از نوجوانان پرخاشگر را مد نظر ندارند.

مسئله مهم بعدی در مورد تعریف پرخاشگری در نظر گرفتن تمایزات زیر است. اول اینکه، پرخاشگری ممکن است شدید یا ملایم باشد. برخی محققان از اصطلاح خشونت<sup>۱</sup> برای نشان دادن نوعی از پرخاشگری که سبب آسیب رساندن شدید به فردی دیگر می شود استفاده می کنند ( اندرسون و بوشمن، ۲۰۰۲). تمام رفتارهای پرخاشگرانه شدت یکسانی ندارند، و مثلاً می بایست جرم های اصلی مانند چاقوکشی و یا شلیک گلوله را در زمره ی اعمال خشونت آمیز رده بندی کرد. دومین مساله این است که میزان بروز این اعمال را در بازه ی زمانی در نظر داشت. معمولاً تکرار مداوم در بازه ی زمانی مساله را از حالت نرمال خارج کرده و ما با یک تشخیصی بالینی مواجه می شویم. به عنوان مثال برخی دعوای وسط حیاط مدرسه را می توان تا حدی نرمال تصور کرد، اما با اختلال سلوک نمی توان برابر دانست. اختلالهای سلوک<sup>۲</sup> با رفتار های مستمری مشخص میشود که حقوق دیگران و هنجار های اساسی جامعه را نقض می کند. کودکان مبتلا به اختلالهای سلوک اغلب با قانون در می افتند و مجرمان حرفه ای می شوند (روزنهان و سلیگمن<sup>۳</sup>، ۱۳۸۶). متخصصان بالینی ۴ نوع اختلال سلوک را مشخص کرده اند: (۱) رفتارهای پرخاشگرانه ای که به منظور تهدید به آسیب رساندن و یا سبب آسیب دیدن افراد و حیوانات می شوند (۲) رفتارهای غیر پرخاشگرانه ای که سبب از بین رفتن و یا تخریب اموال می شوند (۳) سرقت و یا تقلب، و (۴) خشونت های قانونی جدی. برای تشخیص گذاری این اختلال، رفتارها باید به مدت ۱۲ ماه به صورت پایداری بروز کنند ( انجمن روانپزشکی آمریکا، ۱۹۹۴؛ دایکمن<sup>۴</sup>، ۱۹۹۵). نوجوانان در بروز رفتارهای پرخاشگرانه دارای شدت عمل متفاوتی هستند.

---

<sup>1</sup> violence

<sup>2</sup> conduct disorders

<sup>3</sup> Rosenhan & Seligman

<sup>4</sup> Dykeman